

عرفان کاربردی به مثابه دانشی جدید در مجموعه عرفان اسلامی

چکیده

عرفان نظری و عملی از دانش‌های اسلامی هستند که در سپهر مطالعات دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند اما تاکنون به طور درخور مورد توجه قاطبه اندیشمندان علوم انسانی در عرصه‌های مختلف زندگانی، قرار نگرفته‌اند. نتیجه این بی‌توجهی محرومیت انسان‌ها از ظرفیت‌های نگرشی، گرایشی و عملی عرفان اسلامی است. به همین جهت، در این پژوهش برای نخستین بار، ایده «عرفان کاربردی» به مثابه دانشی جدید، جهت بررسی آثار و پیوست‌های عرفان نظری و علم عرفان عملی در مساله‌های انسانی طرح، و با روشی تحلیلی پس از تبیین ضرورت، موضوع، غایت و روش آن، بدین صورت تعریف شده است: «تبیین مجموعه دانشی عرفان اسلامی (نظری و عملی) در ساحات گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در دو سطح جوانحی و جوارحی با پردازش شرایط و اقتضایات محیط‌های گوناگون انسان معاصر و تمرکز بر بررسی موارد عینی و جزئی و آرایه اصول و قواعد خاص‌تر». سپس پیرامون جایگاه عرفان کاربردی و آثار و نتایج آن سخن رفته است.

واژگان کلیدی

عرفان، عرفان نظری، عرفان عملی، علم، کاربردی، عرفان کاربردی

انسان در زندگی فردی و اجتماعی خود با دایره گسترده‌ای از مشکلات و چالش‌ها در حوزه نظر و عمل مواجه است؛ زیرا از یک سو، ذات و طبیعت زندگی، دارای سختی‌ها، مشکلات و تراحمات است؛ و از سوی دیگر، برای انسان معاصر، مدرنیته و تکنولوژی با پشتوانه‌ها و پیوست‌های معرفتی و ارزشی خود در جریان است؛ و از سویی سوم، عرفان واره‌ها و معنویت‌های متنوعی در حال عرضه آرا و شیوه خود هستند و انسان معاصر در این مختصات جدید بیش از پیش از ملکوت و عالم معنا بیگانه گشته است؛ و از سوی چهارم، زندگی رفاه زده و رو به پیشرفت، در صورت فقدان معرفت و معنویت، همراه با گم‌گشتی‌هاست و نتیجه‌اش غفلت و دوری از بُعد اخروی و الهی است؛ از این رو، باید اذعان نمود که ضروری است از علوم مبنائی از جمله عرفان اسلامی، به عنوان بعد باطنی دین اسلام در این برهه رویارویی توحید و شرک، برای حل مشکلات و چالش‌های نظری و عملی انسان بهره برد. زیرا ظرفیت مجموعه دانشی عرفان اسلامی نویدبخش افق‌های جدیدی پیش‌روی انسان به خصوص انسان معاصر است و می‌تواند گره‌های علمی و عملی او را در زندگی در زمینه‌های معرفتی و معنوی باز نماید. به همین جهت، این پژوهش، در صدد است، ایده عرفان کاربردی را به عنوان حلقه وصلی میان میراث دانشی عرفان اسلامی در حوزه نظر و عمل با مسایل پیدا و پنهان انسان، به ویژه معاصر مطرح نماید و برای تحقق این هدف در نوشتار حاضر با روشی توصیفی و تحلیلی به ویژگی‌های عرفان کاربردی به مثابه یک دانش پرداخته شده است.

در رابطه با پیشینه، بر اساس جست‌وجوی صورت گرفته، تاکنون اثری پیرامون کاربردی سازی عرفان به مثابه یک دانش و اضلاع معرفتی آن، به صورت مستقل منتشر نشده است و بر این اساس می‌توان این مقاله را اولین اثر مستقل در این عرصه تلقی نمود.

۱. مفهوم شناسی واژگان

۱/۱ عرفان

عرفان یکی از مصدرهای باب «عرف یعرف» است. (معلوف، ۱۳۷۳، ۴۹۸) و در کتاب‌های لغت به معنای علم، شناخت، آگاهی، شناختن، دانستن و مانند آن آمده است. البته با دقت در موارد استفاده «عرفان» و «علم» تفاوت‌هایی قابل مشاهده است؛^۱ (دهخدا، ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹، ۲۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۵۶۰) و

^۱ اهل لغت تفاوت‌هایی نیز میان «عرفان» و «علم» مطرح نموده‌اند: عرفان آگاهی دقیق است و علم شامل آگاهی و شناخت اجمالی را هم شامل می‌گردد، «علم» پیرامون کلیات (معقولات) و «معرفت» پیرامون جزئیات (محسوسات) به کار می‌رود؛ کاربرد معرفت در ادراک تصورات و کاربرد علم در ادراک تصدیقات است؛ معرفت اختصاص به ادراک بسایط و علم اختصاص به ادراک مرکبات دارد؛ مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۸، ص ۹۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۶.

همگی آن‌ها بر این تمایز قابل ارجاع است که «عرفان» به آگاهی‌های تفصیلی اختصاص دارد ولی علم شامل مطلق آگاهی‌هاست؛ از این‌رو، هر عرفانی علم است، ولی هر علمی عرفان و معرفت نیست. (عسکری، ۱۴۱۲، ۷۲)

در اصطلاح، عرفان، شناخت کشفی و شهودی حق تعالی و اسماء و صفات و افعال اوست که با سیر و سلوک عملی و تصفیه‌ی باطن و پاکسازی درون و تخلیه و تلطیف سر به دست می‌آید. (لاهیجی، ۱۳۸۵، ۱۰) یا عرفان، فرآیند عملی مرحله به مرحله و منزل به منزل است که با بریدن از نفس و برطرف ساختن موانع و رهایی از تعلقات و وابستگی‌ها و عبور و دوری از کثرات شروع می‌شود و به شهود حق تعالی و اسما و صفات و افعال وی و فنای در او و بقا به او پایان می‌یابد. (رمضانی، ۱۳۹۸، ۲۵)

در این تعریف، به مقدمات و شرایط حصول شهود نیز اشاره کلی و مختصری شده است؛ از این‌رو «عرفان» در معنای اصطلاحی را می‌توان به این صورت خلاصه نمود که «عرفان، شهود قلبی و رسیدن به عالی‌ترین نوع معرفت و شناخت است که فوق معرفت حسی، نقلی و عقلی است».

در واقع عرفان به معنای اصطلاحی خود مترادف با شهود قلبی است. کسب آگاهی و شناخت راه‌های گونانی از قبیل تعقل، تجربه و نقل دارا می‌باشد که «عرفان» را می‌بایست یکی از راه‌های شناخت دانست. عرفان از سنخ علوم حضوری ست که در آن واسطه مفاهیم میان عالم و معلوم وجود ندارد.

«عرفان» در کاربرد دانشی خود به دو قسمت نظری و عملی تقسیم می‌شود؛ عرفان نظری و عرفان عملی. عرفان نظری، نظام بخش تجربیات عارفانه در مراحل نهایی سلوک؛ و عرفان عملی یا علم سلوک نظام بخش تجربیات سالکانه از مبدأ تا مقصد است.

محقق قیصری در تعریف عرفان نظری می‌نویسد: عرفان نظری علم به خداوند سبحان است از جهت اسماء، صفات و مظاهرش، و احوال مبدأ و معاد و علم به حقایق عالم و کیفیت و چگونگی برگشت حقایق به حقیقت واحد که همان ذات احدی است. (قیصری، ۱۳۸۱، ۷).^۲ جناب فناری نیز می‌گوید: فهم کیفیت ارتباط حق و خلق و چگونگی نشأت گرفتن کثرت از آن وحدت حقیقی، علم حقایق و مکاشفه و مشاهده (عرفان نظری) است. (فناری، بی‌تا، ص ۶)^۳

همچنین قیصری در تعریف علم عرفان عملی می‌گوید: علم عرفان عملی شناخت راه سلوک و مجاهدت است تا نفس از تنگناهای قیود جزئی رهایی یافته به مبدأ خویش (حق متعال) متصل شود. (قیصری، ۱۳۸۱،

^۲ . هو العلم بالله سبحانه من حيث اسمائه و صفاته و مظاهره و احوال المبدأ و المعاد و بحقائق العالم و بكيفية رجوعها الى حقيقة واحدة هي الذات الاحدية.

^۳ . (العلم) بكيفية ارتباط الحق بالخلق و جهة انتشاء الكثرة من الوحدة الحقيقة... فعلم الحقایق و المكاشفة و المشاهدة.

۷) و فناری در کتاب مصباح الانس، عرفان عملی را چنین تعریف می‌کند که علم سلوک، آباد کردن درون با معاملات قلبی از طریق تخلیه جان از مهلکات و آراسته کردن درون به منجیات است. (فناری، بی‌تا، ص ۶)^۵

این تعاریف را با عبارات دیگر نیز می‌توان بیان داشت، بدین صورت که، مجموعه دستورها و قواعد معطوف به اعمال و احوال قلبی (ریاضت‌ها) در قالب منازل و مقامات که تبعیت از آن‌ها به حصول کمال نهایی انسانی (همان لقاء الله و فناء فی الله) می‌انجامد (یزدان‌پناه، ۱۳۹۳، ۷۲) علم عرفان عملی است؛ و ترجمه و تعبیر حقایق و معارف توحیدی، یعنی وحدت شخصی وجود و لوازم آن، که عارف از راه شهود و تحقق در نهایی‌ترین مرحله آن، به دست آورده باشد؛ شهودی که معمولاً در پی ریاضت یا عشق یا هردو حاصل می‌شود (یزدان‌پناه، ۱۳۹۳، ۷۲) عرفان نظری نام دارد.

ناگفته نماند تقسیم علم عرفان به نظری و عملی، در ساحت تعبیر و تفسیر و در مقابل ساحت تجربه عرفانی بوده است. آنچه در این میان بیش از همه اهمیت دارد، توجه به اصالت، ضرورت و تقدم ساحت تجربه عرفانی بر دانش عرفان است؛ زیرا سیر در همین ساحت است که انسان را از عالم طبیعت و ماده فراتر برده و وی را سالک طریق حق می‌نماید و به مقام فناء می‌رساند. افزون بر این باید در نظر داشت که از نظر زمانی نیز تقدم با تجربه‌های عرفانی یا همان عرفان عملی است و بعدها علم عرفان عملی و نظری شکل گرفتند. (رمضانی، ۱۳۹۸، ۲۹)

۱/۲ کاربردی

کاربردی در لغت، ترکیب «کاربرد» و «یاء نسبت» است. کاربرد به معنای به کار بردن، بهره گرفتن، استفاده، مصرف و مانند آن است. (معین، فرهنگ معین، ماده کاربرد) در فرهنگ لغت (برخط وبستر) علم کاربردی همچون شاخه‌ای تعریف شده است که با فن یا علم کاربرد دانش علمی در مسایل علمی سر و کار دارد.

امروزه به طور گسترده شاهد به کارگیری ترکیبات اضافی علوم مختلف به این اصطلاح هستیم. علوم مختلف در اضافه به واژه «کاربردی»، معانی متفاوتی پیدا می‌کنند و گویای زاویه و رویکرد خاصی از علوم می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به مواردی از قبیل «منطق کاربردی»، «اخلاق کاربردی»، «کلام کاربردی»، «علوم اجتماعی کاربردی» در حوزه علوم انسانی و «شیمی کاربردی»، «فیزیک کاربردی» و «ریاضی کاربردی» در حوزه علوم تجربی و ریاضی اشاره کرد.

برای اینکه مفهوم «کاربردی» به روشنی تبیین شود، لازم است به عنوان نمونه به موارد استفاده آن در علوم مختلف اشاره شود:

^۴ . معرفة طريق السلوك و المجاهدة لتخليص النفس عن مضايق القيود الجزئية و اتصالها الى مبدئها.
^۵ . تعمير الباطن بالمعاملات القلبية بتخليته عن المهلكات و تحليلته بالمنجيات فعلم التصوف و السلوك.

- منطق کاربردی گرایشی در منطق است که با بهره‌گیری از قواعد منطقی جنبه‌های مهارتی منطق مورد توجه است؛ از این رو در منطق کاربردی از اصطلاحات پیچیده و مغلق رایج در کتاب‌های منطقی پرهیز می‌شود و از مثال‌های ساده ملموس استفاده می‌شود. (خندان، ۱۳۹۵، ۱۷-۱۶) از منطق کاربردی می‌توان به نفع سایر علوم از جمله معرفت‌شناسی، فلسفه زبان، فلسفه و همچنین مسائل اجتماعی بهره برد.

- اخلاق کاربردی عبارت است از: کاربردی کردن ارزش‌های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی؛ (شریفی، ۱۳۹۰، ۸۳) یا کاربردی نمودن نظریه‌های کلی اخلاقی یا احکام حاصل از آن‌ها در مسایل خاص اخلاقی؛ (همان) و در بیانی دیگر، اخلاق کاربردی به دنبال دست یافتن به قواعدی خاص‌تر از قواعد عام اخلاقی است که در شرایط ویژه و موضوعات و موارد مشخص‌تر و جزئی‌تر کارایی داشته باشد. (اسلامی و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۲)

- در فلسفه، کاربردی بودن از یک سو می‌تواند به معنای مشارکت آن در مباحث نظری سایر علوم باشد، مانند مشارکت فلسفه در مباحث کاملاً نظری مرتبط با علوم شناختی، و از سوی دیگر می‌تواند به معنای پرداختن به مسائلی باشد که امروزه از نیازهای اصلی فردی و اجتماعی انسان است، مانند فلسفه برای کودکان، که در آن رشد تفکر انتقادی کودکان محل توجه است. بنابراین کاربرد فلسفه هم به حوزه نظر و هم به حوزه زندگی روزمره انسان مرتبط است. (زاهدی، ۱۳۹۳، ۱۰)

- کلام کاربردی به معنای کاربرد مبانی و معیارهای کلامی در تقریر یا اثبات یک مساله یا موضوع خاص اعتقادی مورد نیاز جامعه، با توجه به روش‌های متفاوت مکاتب کلامی در استفاده از منابع وحیانی، برهانی، عرفانی و تجربی یا تلفیقی از آن‌هاست. (محمدی، ۱۳۹۴، ۸۱) به بیان دیگر، مجموعه مطالعات راه‌های تحقق باورها و مقولات کلامی در محیط زندگی فردی و اجتماعی انسان، کلام کاربردی است. در واقع کلام نظری معاد و توحید را اثبات می‌کند و کلام کاربردی تلاش می‌کند آن را به عرصه عملی وارد کند. (سبحانی، ۱۳۹۶، نشست علمی)

- جامعه‌شناسی کاربردی عبارت است از مطالعه مسایل اجتماعی که راه‌حل‌های عملی ارائه می‌دهد و بر سیاست‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. (کالوین جی. لارسن، ۱۳۷۷، ۷۸)

با توجه به موارد بالا به این نتیجه رهنمون خواهیم شد که عبارت «کاربردی» در هنگام اضافه به یک رشته یا دانش، اصطلاحی جدید بوده که علی‌رغم استفاده‌های فراوان در علوم متعدد، معنای واضح واحدی برای آن ارائه نشده است و از قبیل اشتراک لفظی بوده و نمی‌توان آن را یک اصطلاح جاافتاده مسلم دانست. از این رو، در پژوهش پیش‌رو با نگاهی به موارد مشابه، معنای زیر مدنظر قرار می‌گیرد: «تهیه اصول و

قواعد خاص و جزئی تر یک دانش و موردکاوی مسایل با نظر داشت نیازها، چالش‌ها و شرایط ویژه انسان‌ها و عوامل درونی و بیرونی آنها».

۱/۳ علم و تمایز علوم

از آنجا که ایده عرفان کاربردی در قالب علم و دانشی مستقل ارایه می‌شود لازم است به مقوله «علم» و معیار تمایز علوم اشاره شود تا تفاوت و جایگاه «عرفان کاربردی» بر آن اساس تبیین گردد. در بررسی علم و تمایز علوم باید ابتدا اشاره نمود که واژه «علم» مترادف «دانش» و «حکمت» است. (برخط دهخدا) لغت شناسان علم را به معنای مطلق آگاهی (جوهری، الصحاح، ۱۴۱۰، ۵، ۱۹۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲، ۴۱۶) و نقیض جهل (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۲، ۱۵۲؛ عسکری، الفروق اللغویه، ۱۴۱۲، ۳۱) به کار برده‌اند. برخی نبود احتمال خلاف را نیز در معنای لغوی «علم» دخیل دانسته‌اند. (طریحی، ۱۴۱۶، ۶، ۱۱۹)

در معنای اصطلاحی، «علم» را می‌توان از منظرهای هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و بعد فرهنگی - اجتماعی مورد بررسی قرار داد. در شکل‌گیری و شاخه‌بندی علوم «علم» از حیث فرهنگی - اجتماعی و به عبارتی از بعد جامعه‌شناختی لحاظ می‌گردد. «علم» از این منظر به عنوان پدیده‌ای اجتماعی قلمداد می‌شود که در جریان تکامل اجتماعی انسان‌ها تطور می‌یابد؛ به عبارتی دیگر در نگاه جامعه‌شناختی، هیأت تألیفی شکل یافته از مجموعه گزاره‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۱، ۳۲) البته اندیشمندان قیود و حدود گوناگونی برای آن در نظر می‌گیرند که می‌توان آن‌ها را الگوهای مختلف علم‌شناسی دانست. پرواضح است در میان اندیشمندان مسلمان، مباحث صورت گرفته پیرامون تمایز و طبقه‌بندی علوم - که مربوط به نوشتار کنونی نیز هست - «علم» از منظر فرهنگی - اجتماعی مورد نظر است.

پس از مباحث گوناگونی که پیرامون حدنگاری علوم ارایه شده است در نظرات نهایی، تمایز و استقلال علوم را باید به اعتبار دانست و در نتیجه هر علمی دارای وحدت اعتباری خواهد بود. در الگوی نوین علم‌شناسی، اندیشمندان مسلمان^۶ بر این نظرند که دانش‌ها مجموعه‌ای منسجم از مسایلی هستند که به نحو روشمند و در چارچوب نظری معین و بر اساس منابع و هدفی مشخص سامان می‌یابند. (قراملکی و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۰۵-۱۲۴). با نظر به سیر شکل‌گیری علوم پژوهشگران بر این عقیده‌اند که مطالعه فرآیند رشد و تحول تاریخی علوم نشان می‌دهد که موضوع، امری ثانوی و تبعی است و علم، چیزی جز مسایل نیست. (قراملکی، ۱۳۸۵، ۱۳۵) از میان فقها و اصولیان نیز امام خمینی (ره) به طوری جدی بر این مسأله توجه داشته و با بیان مثال‌هایی از علم جغرافیا و فقه، اشاره می‌نمایند که در ابتدا قضایای علوم تعداد

^۶. اندیشمندان مسلمان به تناسبی بیشترین مباحثی که در این زمینه داشته‌اند در ابتدای مباحث اصول فقه است. معمول اندیشمندان مسلمان متأخر الگوی علم‌شناسی ارسطویی که موضوع محور بوده، نقد نموده‌اند و به این نتیجه منتقل شده‌اند که نمی‌توان از قاعده (موضوع کل علم ما بیحث فیہ عن عوارضه الذاتیه) بنا به تفسیر ارسطویی دفاع نمود. (ر.ک. احد فرامرز قراملکی و دیگران، ۱۳۸۳، ۱۰۵-۱۲۴).

معدودی بوده اند که در ادامه مسایل رشد کرده و با وحدت اعتباری تجميع شده و نام «علم» بر آنها نهاده شده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۱، ۱، ۳۵-۳۴) از این رو، در این مقاله، برای دانش جدید بودن عرفان کاربردی، از این دیدگاه بهره خواهیم برد.

۲. عرفان کاربردی

بعد از تبیین واژگان، نوبت به عرفان کاربردی می رسد که از جهات مختلف تبیین و تحلیل گردد تا در مجموعه معرفت مناسبی نسبت به آن حاصل شود.

۲/۱ ضرورت شناسی عرفان کاربردی

امروزه شاهد گرایش به معنویت در جوامع مختلف هستیم؛ شیوع عرفان‌واره‌ها و جنبش‌های معنویت‌گرا خود شاهد این مدعاست که انسان معاصر با پشت سر گذاشتن دهه‌هایی از نظریات مرگ خدا و پوچ‌انگاری مباحث فرامادی در جست و جوی عرفان و معنویت است؛ از سویی دیگر عرفان اسلامی نیز در برهه‌های گوناگون و به دلایل مختلفی مورد بی مهری قرار گرفته است. (ر.ک: واحدجوان، ۱۳۹۸، ۵۱) بر این اساس باید اذعان نمود که گرایش تشدید شده به معنویت، شیوع عرفان‌واره‌ها و انزوای مباحث عرفانی بیانگر ضرورت بازخوانی مجموعه عرفان اسلامی در متن زندگی انسان معاصر است و ایده عرفان کاربردی در این راستا است. از این رو، می‌توان وجوه ضرورت عرفان کاربردی را دو ساحت «ایده» عرفان کاربردی و «دانش» عرفان کاربردی بررسی نمود:

۲/۱/۱ ضرورت عرفان کاربردی به مثابه يك ایده

۲/۱/۱/۱ تعمیق دین‌داری

حقیقت آن است که در نسبت‌سنجی دین و عرفان، عرفان مقوله‌ای درون دینی بوده که مربوط به حوزه باطنی دین است. (ر.ک سیدحیدرآملی، ۱۳۶۸، ۳۴۵) تأمل مسأله محورانه به عرفان موجب گذر از سطوح ظاهری دین و تعمیق دین‌داری می‌گردد؛ به عنوان نمونه می‌توان به مراتب عبادت (ر.ک کلینی، ۱۴۰۷، ۲، ۸۴) اشاره نمود که با نگرش توحید عرفانی قابل تحقق خواهد بود و نتیجه این امر تعالی هر چه بیشتر انسان، و فاصله گرفتن از زندگی در لایه‌های حیوانی می‌باشد.

۲/۱/۱/۲ دیربایی مفاهیم عرفانی و ضرورت تسهیل فهم مفاهیم و معارف عرفانی

فهم مباحث عرفانی از سویی به دلیل انس توده مردم با زندگی مادی و از سویی دیگر به دلیل نگرش‌های سنگین توسط عارفان مانند کتب ابن عربی و شارحان آثار وی، تنها مورد استفاده خواص از نخبگان قرار می‌گیرد. از این رو، آسان‌سازی منابع با رویکرد مساله محوری حوزه‌های مختلف زندگی انسان معاصر که در عرفان کاربردی مدنظر موجب رفع این خلاء خواهد شد.

در طول اعصار گذشته افراد مختلفی با انگیزه های گوناگون با عرفان اظهار مخالفت می نمودند. انگیزه های مخالفت ها گاهی به خاطر نگرانی از ارایه نسخه هایی جایگزین دین بوده اند، گاهی اشکالاتی بر کتاب های و آرای عرفانی نوشته شده محققان داشته اند، گاهی از انحرافات خرقه پوشان و سلسله های صوفیه نگران بودند و همه این عوامل موجب تحقق مخالفت ها و دشمنی هایی با عرفان شده است که نیازمند بازسازی میراث عرفانی با رویکرد مساله محور داشته تا از این رهگذر بتوان با ارایه شفاف مباحث عرفان اصیل و حقیقی از سوء برداشت ها جلوگیری نمود. در واقع، مخالفت های حاصل از سوء برداشت ها همچون سدی مانع گسترش و آشنایی توده مردم با ابعاد باطنی دین گشته و خواهد شد.

بشر عصر مدرنیته و مستغرق در رفاه و امکانات مادی همچنان ناآرام است و در جست و جوی آرامش، دلیل تشنگی ها و آشفتگی ها چیست؟ به نظر می رسد مهمترین دلیل عدم توجه به نیازها و گرایشات اصیل فطرت انسانی است. مدرنیته با مبانی اومانیستی و الحادی خویش انسان از ملکوت آمده را به زمین دوخت و عدم سنخیت موجب بروز بیماری های روحی و پریشانی هاست. در دوران گذار از مدرنیته با شکست طرح های مادیگرایانه عقب گردی صورت نگرفت و راه اشتباه دیگری در جاده جنبش های معنوی لاییک شکل گرفت که از چاهی به چاه دیگری بود. جنبش معنوی با اشاعه اباحی گری از سویی و توجه به فراماده از سویی دیگر مخاطبان خاص خود را جذب نمودند که جز در عالم خیال و طبیعت واهی ثمری در پی نداشت. در واقع باید اذعان نمود طرح عرفان کاربردی در مرحله ای از تطورات مجموعه عرفان اسلامی ارایه می شود که جنبش های معنوی گوناگونی در دنیای مدرن پا به عرصه گذاشتند، شاهد سبک های زندگی گوناگونی هستیم که جز ارضای تنوع طلبی انسان را به همراه ندارد، مورد اقبال برخی از مردم است و روز به روز از ایسم ها و ایده های جدیدی پرده برداری می شود و برخی را به دور خود جمع می نمایند ولی همچنان انسان معاصر ناآرام است همچنان انسان معاصر افسرده است و جهان از معارف ناب عرفان اسلامی و ظرفیت های آن بی خبر است.

با پیشرفت تکنولوژی و به وجود آمدن خرده فرهنگ های جدید، مساله های جدیدی فراروی انسان ها ایجاد شده و مواجهه صحیح با آن ها نیازمند دقت های و بررسی های عالمانه است؛ چرا که به راحتی نمی توان پاسخ هایی برای آن یافت. دقت ها و بررسی ها در فرآیند عرفان کاربردی با تبدیل مشکلات و نیازها به مساله و لحاظ مقتضیات متن زندگی صورت می گیرد که از وجوه ضرورت عرفان کاربردی است.

با وجود میراث گرانبهای عرفان اسلامی و ظرفیت های آن، تا کنون به امتدادهای مسأله محور آن توجه جدی نشده؛ نبود تأملات مسأله محور از سویی و تحقق مسأله های نوپیدا از سویی دیگر، توجه به عرفان کاربردی را به ضرورت مطالعاتی عرفان پژوهان تبدیل می نماید.

ادبیات عرفانی و وجود آثار متنوع ادبی که با رنگ و بوی عرفانی نگاشته شده اند، علی رغم همه آثار و فواید گاه منجر به سطحی نگری در معارف عمیق و دقیق عرفانی می گردد که با طرح عرفان کاربردی می توان شاهد برقراری تعادل بین حوزه های زیباشناختی عرفان و حوزه های استدلالی و عملی عرفان بود؛ به عنوان نمونه می توان به محافل ادبی متعددی اشاره نمود که اشعار عرفانی با آب و تاب فراوان قرائت می شود بدون آنکه به تبیین اصول، مبانی و لوازم آموزه های عرفانی توجهی گردد.

مدعا این است که در ایده عرفان کاربردی، عرفان کاربردی دارای هویتی معرفتی و در قالب دانشی مستقل است؛ به بیانی دیگر عرفان کاربردی را نباید تنها مجموعه ای از توصیه ها و نتایج نظری و عملی پراکنده دانست؛ در حقیقت عرفان کاربردی عهده دار بررسی مسایل عرفانی و سلوکی هر یک از ساحات جوارحی و جوانحی انسان مختار به صورتی روشمند و مبتنی بر منابع مشخص است؛ و این مهم تنها در قالب یک دانش مستقل تحقق خواهد یافت و نمی توان در تأملات و نوشتجات پراکنده و بحث های حاشیه ای عرفان نظری و علم عرفان عملی بدان دست یافت؛ و از سویی توجه به سه شاخصه زیر در طراحی ایده عرفان کاربردی ما را راهنمایی می نمایند:

- ظرفیت مجموعه عرفان اسلامی خواه در مقام دانشی آن و خواه در مقام تحقق
 - ظرافت ها و پیچیدگی های ساحت ها و تعاملات انسان معاصر
 - سختی تطبیق آموزه های عرفان نظری و عملی در موارد خاص
- سه ویژگی بالا نشان از امکان و ضرورت پژوهش هایی هدفمند و در چارچوبی مشخص است که تنها در قالب یک دانش مستقل قابل تحقق خواهد بود؛ از این رو باید ایده ی «عرفان کاربردی» را به منزله یک دانش مستقل ارایه نمود؛ از سویی چنانچه در تبیین معنای علم و تمایز علوم اشاره شد بر اساس الگوی علم-شناسی جدید، استقلال دانشی عرفان کاربردی بر اساس مبنای وحدت اعتباری قابل طرح است چرا که اعتبار استقلال با توجه به شاخصه های بالا دارای ترجیح بوده و با محذور لغویت روبرو نخواهد گشت؛ نتیجه آنکه می توان اذعان نمود عرفان کاربردی در قامت یک شاخه دانشی مستقل، موجب خدمت گیری عرفان پژوهان در راستای اغراض دانشی عرفان کاربردی و جدایی از بستر علم برای علم خواهد بود.

۲/۲ موضوع شناسی عرفان کاربردی

موضوع عرفان کاربردی فعل اختیاری انسان از حیث توحیدی است؛ و منظور از فعل انسانی، اعم از افعال جوارحی و جوانحی می‌باشد؛ دلیل این شمول آن است که در سیر عرفانی ظاهر و باطن هر دو تأثیرگذار هستند. البته نباید از نظر دور داشت که اعمال جوانحی و معاملات قلبی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و اگر به ظاهر هم توجه می‌شود به دلیل تاثیرات باطنی آن‌ها در تحصیل قلب سلیم کامل می‌باشد.

۲/۳ هدف و غایت شناسی عرفان کاربردی

ارایه سبک زندگی عرفانی و بیان چگونگی ربط افعال به حقیقت هستی را می‌توان غایت دانشی عرفان کاربردی دانست؛ سبک زندگی به عنوان شیوه خاص زندگی با شاخصه‌های خاصی همچون علایق، نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری در میان صاحب نظران مطرح است که با مباحث عرفان کاربردی می‌توان شاهد تحقق سبک زندگی عرفانی بود؛ با توجه به اینکه عرفان اسلامی بعد باطنی دین به عنوان برنامه سعادت بخش انسان است، غایت عرفان کاربردی را باید غایت دین و به عبارتی وصول به قله‌های معرفت و عبودیت حق تعالی دانست. با توجه به این غایت نهایی می‌توان به موارد زیر نیز اشاره نمود:

۲/۳/۱ بیان نصابات نظری و عملی عرفان اسلامی در ساحت جوارح و جوانح

اینکه چه اندیشه و دیدگاهی عرفانی محسوب می‌شود و سازگار با مبانی توحیدی است، اینکه چه عملی، عرفانی محسوب می‌شود و سازگار با مبانی و اصول عرفان عملی است، تنها در چارچوب بررسی نظام‌مند به نتیجه خواهد رسید.

۲/۳/۲ تشخیص، تحلیل و حل مسایل عینی و پیش‌اروی

مهم‌ترین انتظار ما از عرفان کاربردی، تشخیص، تحلیل و حل مسایل عینی سالکان در زندگی است. در این هدف تشخیص از اهمیت فراوانی برخوردار است. چرا که اساسا انسان و به ویژه انسان معاصر در سطح زندگی مادی مستغرق است و در موارد بسیاری نسبت به نیاز و مشکل سلوکی جهل مرکب دارد و در اینجا وظیفه پژوهش‌گر عرفانی دو چندان است.

۲/۳/۳ تبیین و ترویج

چنانچه در بررسی مورد قبل اشاره شد جهل مرکب نسبت به برخی از مسایل عرفانی در عرصه‌های گوناگون انسانی، علاوه بر تشخیص و ارایه راه حل نیازمند تبیین و ترویج برای آحاد افراد انسانی است تا از این رهگذر به سمت زندگی ناب توحیدی سوق پیدا کنند. توضیح و تبیین این امر که زندگی انسان دارای ابعاد پیچیده پیدا و پنهانی است و ایجاد دغدغه‌مندی نسبت به ابعاد اصیل و باطنی دین در قالب ارایه یک منظومه فکری قابل تحقق است.

۲/۳/۴ حل تعارضات

در متن زندگی، در مواردی شاهد جریان دو اصل عرفانی هستیم؛ نوع مواجهه انسان‌ها در موارد این چنین از وظایف عرفان کاربردی است. به عنوان نمونه کمک به فردی که در جمع تقاضایی مطرح نموده است، آیا مصداق ریا است یا مصداق تشویق دیگران به امدادگری است، آیا به لحاظ عرفانی می‌توان راهکار دیگری ارائه نمود که نه شایبه ریا داشته باشد و نه ترویج رد مستمندان؟ یا اینکه مصداق غذای شبهه ناک چیست؟ آیا به لحاظ عرفانی عدم استفاده از غذای شبهه ناک که موجب شکسته شدن دلی می‌گردد جایز است؟

۲/۳/۵ بسترسازی زندگی توحیدی

فراهم نمودن شرایط لازم جهت تحقق زندگی سالکانه و توحیدی از اهداف طرح معرفتی عرفان کاربردی است؛ این امر موجب پیشگیری از بحران آفرینی مشکلات خواهد شد. به عبارتی در مشکلات نظری و عملی در وادی سلوک نیز می‌توان اذعان نمود که پیش‌گیری بهتر از درمان است.

۲/۳/۶ به روزرسانی و بومی ساختن توصیه‌ها و برنامه‌های عرفانی

هریک از برنامه‌ها و توصیه‌های عرفانی را باید اجزایی از فرآیند تحول و تعالی معنوی انسان‌ها در مسیر توحید بدانیم. پژوهشگران عرفان کاربردی باید در واقعیات عینی عرصه‌های مختلف برنامه‌ها و توصیه‌های عرفانی را طراحی نمایند. به عنوان نمونه به لحاظ مبانی عرفانی برای یک پزشک متخصص چه مقداری می‌توان عزلت و یا چله گرفتن را توصیه نمود؟ برنامه یک پزشک سالک باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟ فضای بیمارستان و مشاهده روزمره بیماران و رنج آن‌ها با چه مبانی نظری هم‌خوانی و یا تعارض ظاهری می‌تواند داشته باشد؟

۲/۳/۷ شناسایی و معرفی الگوها

الگوهای عرفانی در عرصه‌های گوناگون بیانگر راه و راهنما هستند؛ به عنوان نمونه نوع سلوک عرفانی امام خمینی (ره) در عرصه مدیریت و رهبری یک امت؛ یا نوع سلوک شهید سردار سلیمانی در عرفان فرماندهی و عرفان جهاد.

اولیاءالهی اهل سر و کتمان هستند و در حالت طبیعی از شهرت و شناخته شدن بیزارند و این وظیفه پژوهشگران عرفان کاربردی است که در عرصه شناسایی و معرفی اقدامات لازمی داشته باشند، شرح حال نویی و زندگی نامه نویسی هم می‌تواند یکی از وظایف این پژوهشگران باشد.

۲/۳/۸ ساختار سازی معرفتی و عملی بر اساس حقایق دین

دین به عنوان برنامه سعادت بخش انسان دارای ساحت‌های گوناگونی از قبیل احکام و عقاید و ... است؛ ایجاد هماهنگی و منظومه سازی این ساحت‌ها بر اساس پشتوانه‌های طرح و جعل آن‌ها صورت خواهد گرفت؛ با توجه به اینکه عرفان به حقایق باطنی دین می‌پردازد می‌توان در قالب عرفان کاربردی به

پشتوانه‌های طرح و یا جعل آموزه‌های دینی پرداخت؛ بر این اساس باید عرفان کاربردی راهگشای مسایل انسان معاصر بر اساس ابعاد حقیقی و باطنی دین دانست.

۲/۴ روش‌شناسی عرفان کاربردی

عرفان کاربردی به عنوان زیرشاخه‌ای از عرفان نظری و علم عرفان عملی، هویتی معرفتی دارد؛ هویتی معرفتی که از رهگذر رویکردی مسأله محورانه مجموعه عرفان نظری و علم عرفان عملی را بازخوانی نموده و با روش قیاس و استقراء^۷ به تحلیل مسأله‌های انسان محور می‌پردازد؛ از این‌رو عرفان کاربردی دارای بستری معرفتی است. چند مسیر پژوهشی می‌توان در عرفان کاربردی پیش‌رو داشت:

الف. پیوست‌های کاربردی:

در این مسیر معرفت پژوهان در حین مطالعات و بررسی‌های بنیادین و محض خود در عرفان نظری و علم عرفان عملی بر اساس پیش‌زمینه‌های ذهنی خویش در هر مسأله‌ای به نتایج کاربردی آن هم پیردازند.

در این مسیر مراقبت‌هایی لازم است که در صورت عدم توجه و رعایت آن‌ها ما را از اهداف عرفان کاربردی دور خواهد نمود:

- امکان واقعی نبودن کاربردها،
- امکان عدم رعایت اولویت‌ها
- امکان تأثیر نوع نتایج کاربردی در اتخاذ یک مبنای عرفانی؛ ذهن پژوهشگر ممکن است خواه ناخواه با توجه به انواع گوناگون نتایج کاربردی به بررسی مبانی عرفانی بپردازد؛ بدون اینکه در نظام معرفت شناختی ارزیابی گردد.

ب. نیازسنجی، مسأله‌یابی و رجوع به معارف بنیادین عرفانی:

در این مسیر معرفت پژوهان پس از تلقی منظومه معرفتی عرفان اسلامی در دو حوزه عرفان نظری و علم عرفان عملی وارد عرصه پژوهش‌های کاربردی می‌گردند. در عرصه پژوهش‌های کاربردی عرفان اسلامی، گام‌های زیر توصیه می‌گردد:

- ابتدا نیازهای زندگی انسانی شناسایی می‌گردد
- نیازهای شناسایی شده تبدیل به مسأله می‌گردند.
- در نظام مسایل عرفان کاربردی جانمایی می‌گردد. (تشکیل خانواده نسبت‌ها)

^۷ . قیاس بدان جهت که در آن از کبریات کلی عرفان نظری و علم عرفان عملی استفاده می‌شود. و استقراء بدان جهت که در آن از دستورات و تجربیات عرفانی برای به دست آوردن کلیاتی نیز بهره برداری می‌شود.

- به مطالعات بنیادین عرفانی در حوزه نظر و عمل ارجاع داده می‌شود و مبانی و اصول قابل تطبیق شناسایی می‌گردد.

- در صورت جری و تطبیق چند مبنا و اصل کلی در مسأله مورد پژوهش که با یکدیگر منافات دارند بنا به اولویت‌ها به رفع تعارض و یا تزامم در موارد پرداخته می‌شود.

ج.. مراتب قواعد و اصول هسته‌ای:

مراتب رتبی و شمولی اصول و قواعد یکی از مسیرهای مطالعاتی در عرفان کاربردی است. در این

مسیر پژوهشگران پیش از آنکه وارد مسأله یابی و حل مسأله گردند مراحل زیر طی می‌نمایند:

- تلقی نظام معرفتی عرفان اسلامی (اعم از عرفان نظری و علم عرفان عملی)

- ترسیم حوزه‌های مختلف طرح عرفان کاربردی

- استخراج قوانین و قواعد جزئی تر هر حوزه مبتنی بر بنیادهای عرفانی

- نیازسنجی و تولید مسأله

- جست و جو در میان قواعد اصول عرفانی آن عرصه خاص؛ پژوهشگر به جای آنکه به بررسی همه

قواعد و اصول مجموعه عرفان اسلامی پردازد با دقت بیشتر به قواعد و اصول مربوطه می‌پردازد.

منظومه سازی معرفت..... قوانین و قواعد خاص حوزه مربوطه.....نیازسنجی و مسأله یابی

۲/۵ تعریف جامع عرفان کاربردی

با توجه به مختصات معرفتی و تبیینی که پیرامون دو مفهوم «عرفان» - در معنای دانشی خود - و «کاربردی»

- در استفاده اضافی به دانش‌ها - مطرح شد، تعریف «عرفان کاربردی» به صورت زیر ارائه می‌گردد:

«تبیین مجموعه دانشی عرفان اسلامی (نظری و عملی) در ساحات گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در دو

سطح جوانحی و جوارحی با پردازش شرایط و اقتضایات محیط‌های گوناگون انسان معاصر و تمرکز بر

بررسی موارد عینی و جزئی و آرایه اصول و قواعد خاص‌تر».

به بیان خلاصه:

«تهیه و تبیین اقتضایات زیست سالکانه و عارفانه در بستر مسایل محیط‌های مختلف حضور انسان‌ها که

منجر به بررسی موارد جزئی و تولید اصول و قواعد خاص و جزئی‌تر می‌گردد».

شایان توجه است در «عرفان کاربردی»، مراد از عرفان، علم عرفان و مطلق علم عرفان نظری و علم عرفان

عملی می‌باشد. به عنوان نمونه می‌توان به تاثیرات نگرشی توحید عرفانی در معاشرت‌های اجتماعی و مبنای

معرفتی اعیان ثابته در حل و فصل مسأله جبر و اختیار اشاره نمود.

۳. جایگاه عرفان کاربردی

سخن از جایگاه یک علم دو معنا می‌تواند داشته باشد:

الف) به معنای شرافت و منزلت: اگر بخواهیم ارزش و منزلت عرفان کاربردی را بررسی نماییم، باید خاطر نشان شد که به طور کلی علوم کاربردی، ارزش و منزلت خویش را مرهون دانش پایه‌ای خویش هستند؛ از این رو منزلت عرفان کاربردی را به تبع منزلت عرفان اسلامی می‌توان بررسی نمود.

محقق فناری جایگاه عرفان را چنین تبیین می‌نماید که اگر کسی بخواهد مراد حقیقی حق تعالی در قرآن و مراد واقعی سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را درک کند، عرفان نیازمند دارد. در ادامه اشاره می‌نماید که موضوع عرفان عام‌ترین موضوعات است و نسبت به موضوع دانش‌های دیگر شرافت بیشتری دارد؛ زیرا که از یک سو موضوع عرفان حق تعالی است و مبادی آن اسماء الله و روش آن کشف و ذوق صحیح است؛ از سویی دیگر متعلق علم عرفان محیط بر سایر امور است؛ چرا که حقیقتی نیست مگر اینکه حق تعالی به لحاظ علمی و وجودی بر آن احاطه داشته و تحت تسلط قدرت و اراده اوست (فناری، بی تا، ۲۷-۲۸).

قیصری نیز می‌گوید: «عرفان، شریف‌ترین و عزیزترین علوم است به دلیل شرافت موضوع و بزرگی مسایلش، اگر چه موضوع فلسفه و کلام هم (به لحاظی) با موضوع عرفان مشترک است، اما هرگز در فلسفه و کلام، از چگونگی وصول بنده به حق تعالی و قرب به او که هدف والا و اصلی تحصیل علوم و انجام طاعات است، بحثی صورت نمی‌گیرد و چیزی که در آن دانش‌ها به دست می‌آید، حاصل اوهام و فهمی است که فقط زائیده فکر آن‌هست و خود حق تعالی نیست»^۱. (قیصری، ۱۳۷۵، ۶)

با نظر به عبارات بالا بدست می‌آید که از منظر اهل معرفت عرفان برتر از سایر علوم است؛ هم به دلیل اعم بودن موضوع و هم به اعتبار شرافت موضوع. از جهتی دیگر فایده عرفان بیشتر از سایر علوم است زیرا عرفان علم ویژه خداشناسی و معرفت توحید خداوند متعال و وصول به او، پر فایده‌ترین معرفت و سعادت است و این شناخت هر چه بهتر و دقیق‌تر باشد، برای انسان مفیدتر است و اساسا همه شناخت‌ها و حتی

^۱. «فهذا العلم اشرف من جميع العلوم واعزها لشرف موضوعه وعزه مسائله. و علم الحكمة والكلام و ان كان ايضا موضوعهما موضوع هذا العلم؛ لكن لا يبحث فيهما عن كيفية وصول العبد الى ربه، و القرب منه الذي هو المقصد الاسنى و المطلب الاعلى من تحصيل العلوم و اتیان الطاعات. و المدرك بعلمهم، المفهوم باوهمهم و فهمهم، ليس الا مجعول نظرهم الفكري لا عين الحق الازلي»

برخورداری های مادی و معنوی مقدمه و زمینه‌ای برای شناخت حضوری حق تعالی است که همان تصعید وجودی انسان است. (واحدجوان، ۱۳۹۸، ۶۵-۶۴)

ب. رتبه بندی علمی: با توجه به سنخ علوم کاربردی که مبتنی بر مباحث پایه‌ای هستند به لحاظ منطقی باید اذعان نمود که هویت معرفتی عرفان کاربردی مبتنی بر مجموعه عرفان نظری و عملی است؛ عرفان کاربردی زیرمجموعه و زیرشاخه‌ای از عرفان نظری و علم عرفان عملی تلقی می‌شود و نه در عرض و مقابل آن. در واقع مبانی و اصول عرفان اسلامی در عرفان نظری و علم عرفان عرفان عملی بررسی و ارایه می‌گردد و در عرفان کاربردی امتداد و نتایج آن‌ها در مسأله‌ای خاص در عرصه‌های نظر و عمل رهگیری و به ارایه راهکار منتهی می‌شود؛ به عبارتی دیگر در عرفان کاربردی به صورت موردکاوی به تبیین لوازم و نتایج اصول و مبانی مجموعه دانشی عرفان نظری و عملی در مسایل گوناگون انسانی پرداخته می‌شود.

ناگفته نماند در امر آموزش و یا انگیزه سازی در مخاطبین برای ورود به ساحت عرفانی می‌توان در پاره‌ای از موارد در ابتدای امر به مباحث عرفان کاربردی پرداخت چرا که عرافت کاربردی با مسایل روزه مره و بسیار نزدیک افراد روبه رو بوده و از این رو برای مخاطب در بدو امر از جذابیت‌ها بیشتری برخوردار است.^۹

با توجه به ماهیت عرفان کاربردی باید جایگاه عرفان کاربردی را در مجموعه عرفانی و متاخر از عرفان نظری و عرفان عملی دانست.

در میان دانش پژوهان پیرامون شکل‌گیری علوم کاربردی بحثی مطرح است که به طور کلی آیا ابتدا علوم کاربردی در قالب مسایل شکل گرفتند و سپس علوم پایه‌ای و غیرکاربردی یا ابتدا علوم پایه‌ای و بعد علوم کاربردی مبتنی بر آن شکل گرفتند؟ هر دو پاسخ به این سوال موافقان و مخالفانی دارد (استریکهاوزر، ۲۰۱۵، ۸۵۰) و الآن ما درصدد بررسی سیر تاریخی آن و تعیین تقدم نظریه بر دغدغه یا برعکس نیستیم، اما آنچه به وضوح می‌توان اذعان نمود عبارت است از آنکه این دو شاخه در علوم کاملاً به یکدیگر وابسته و تاثیرگذار هستند.

۴. آثار و فواید عرفان کاربردی

۴/۱ تشخیص وظیفه عرفانی در ساحت‌های جوانحی و جوارحی

در زندگی انسان‌ها در موارد بسیاری تشخیص مسیر سلوکی بسیار سخت می‌نماید ولی با طرح مباحث عرفان کاربردی می‌توان کمک شایانی به سردرگمی‌های انسان نمود؛ به عنوان نمونه در موارد بسیاری از زندگی، تشخیص مرز میان اخلاص و شرک بسیار سخت می‌شود.

^۹. با بهره‌گیری از ایده استاد اسلامی در اخلاق کاربردی؛ (ر.ک: اسلامی، ۱۳۹۳، ۱۸)

۴/۲ توان ارزیابی عرفانی بینش‌ها، نگرش‌ها و عملکردها

انسان موجودی اجتماعی است و در ارتباط با انسان‌های دیگر خواه نا خواه قضاوت‌هایی خواهد داشت؛ و این قضاوت‌ها به عرصه‌های بینش، نگرش و عملکرد انسان‌ها مربوط می‌شود؛ از سویی دیگر تأثیرات سلوکی همراهی با انسان‌ها مورد توافق اهل معرفت است (ر.ک: بهاری، ۱۳۷۵، ۸۷؛ رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ۲۵۷) و دارای حساسیت‌های فراوانی است و از جهت نیز خواه نا خواه باید به ارزیابی دیگران پرداخت. عرفان کاربردی با ارایه معیارهای ملموس در عرصه‌های عینی به سالکین کمک خواهد نمود تا بتوانند ارزیابی صحیح و بهتری داشته باشند.

۴/۳ حل مشکلات و چالش‌های نظری و سلوکی

در دنیای کنونی طرز فکرها و رفتارهای گوناگونی در حال ارایه است؛ و به طور ویژه با توجه بسترهای ارتباطی سریع و همگانی، انسان معاصر خود را مخاطب همه اندیشه‌ها و رفتارها می‌یابد و شبهات گوناگونی در مسیری که پیش گرفته است مطرح می‌گردد و عرفان کاربردی با نگاهی مساله محور می‌تواند با تبدیل مشکلات و چالش‌ها به مساله گام مهمی در حل آن‌ها بردارد.

۴/۴ استفاده از جذابیت عرفان اسلامی برای دعوت به حقیقت و حقانیت اسلام

انسانها به معنویت گرایش داشته و نوعی باطن گرا محسوب می شوند؛ ارایه آموزه های عرفانی اسلام موجب توجه بیشتر به حقیقت فطری دین خواهد گردید. به عنوان نمونه توجه به سیر حبی در عرفان همواره مورد تاکید اهل معرفت بوده است (رضایی تهرانی، ۱۳۹۲، ۲۲۰) و سالکین در این سیر سختی‌های سلوک را با توجه و تمرکز به عشق محبوب با حلاوت و شیرینی خاصی پشت سر خواهند گذاشت:

گر به عشق کعبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

۴/۵ ملموس‌تر نمودن معارف عرفانی

با نگاه مساله محورانه و درگیری روزانه آحاد انسان‌ها با مسایل خود می‌توان در قالب عرفان کاربردی، معارف عرفانی به راحتی در دسترس افراد قرار داد به طوری که از مشکلات نظری یا عملی آن‌ها گره- گشایی نماید؛ به عنوان نمونه می‌توان در تأثیر نگرش توحید عرفانی به تاب آوری انسان‌ها در رویارویی با مشکلات و سختی‌های زندگی اشاره نمود.

۴/۶ گفتمان سازی

در جوامع اسلامی انگاره‌ای نسبت به عرفان شکل گرفته است که گویی عرفان تنها مربوط به افراد خاصی است که از زندگی دست شسته اند و در خرابات در پی پیر خویش روزگار می‌گذرانند. نتیجه این تلقی به

حاشیه راندن عرفان است که در قالب عرفان کاربردی می‌توان شاهد گفتمان سازی سبک زندگی عرفانی بود.

۴/۷ تشکیل حلقه های مطالعاتی عرفان‌های مضاف

با توجه به بین رشته‌ای بودن عرفان کاربردی گفتمان عرفان کاربردی منجر به تشکیل حلقه‌های مطالعاتی متشکل از متخصصان عرصه های مختلف بشری و عرفان پژوهان خواهد شد؛ به عنوان نمونه به «عرفان جهاد و مقاومت» می‌توان اشاره نمود که با هم‌اندیشی، صاحب‌نظران دانش فقه، دانش‌های نظامی و عرفان پژوهان شکل گیرد.

۴/۸ عینی شدن عرفان حقیقی

با جریان مبانی و اصول عرفان اسلامی در ساحات گوناگون زندگی ست که انسان می‌تواند به اهداف توحیدی خویش واصل شود. به نظر می‌رسد جریان معارف عرفان اسلامی جز از طریق بازخوانی میراث دانشی عرفان اسلامی در مطالعات مساله محور محقق نخواهد شد؛ مطالعات روشمند مسأله محوری که در قالب دانش مستقلی سامان می‌یابد و منجر به اندیشه سازی می‌گردد؛ از این‌رو باید اذعان نمود عرفان کاربردی با اندیشه سازی عرفانی در ساحات های مختلف پیش درآمدی خواهد بود برای به عینیت در آمدن عرفان حقیقی در ساحات های مختلف زندگی.

۵. نتیجه

در نوشتار حاضر با دغدغه بهره‌مندی از میراث عرفان اسلامی در حل مسایل نظری و عملی انسان در حوزه های مختلف زندگی، ایده عرفان کاربردی طرح و در قامت یک دانش به مختصات علمی آن پرداخته شد و چنین نتایجی به دست آمد:

۱. مراد از عرفان کاربردی، تبیین معارف عرفانی (نظری و عملی) در ساحات گوناگون زندگی فردی و اجتماعی در دو سطح جوانحی و جوارحی با پردازش شرایط و اقتضایات محیط‌های گوناگون انسان و تمرکز بر موارد عینی و جزئی که منجر به تولید اصول و قواعد خاص‌تر می‌شود، است.
۲. تعمیق دین‌داری، دیرپایی مفاهیم عرفانی، ضرورت تسهیل فهم مفاهیم و معارف عرفانی، شیوع جنبش‌های معنویت‌گرا به عنوان رقبای نظری و عملی عرفان اسلامی، حضور و نقش آفرینی عرفان اسلامی در متن زندگی انسانی از وجوه ضرورت طرح عرفان کاربردی به مثابه یک ایده است.
۳. ظرفیت مجموعه عرفان اسلامی خواه در مقام دانشی و خواه در مقام تحقق، از یک سو، و از سوی دیگر ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های ساحت‌ها و تعاملات انسان به ویژه در عصر در حاضر، عمده دلایل ارایه عرفان کاربردی به مثابه یک دانش مستقل و گذر از توصیه‌ها و دستورالعمل‌های پراکنده است.

۴. عرفان کاربردی از منظر دانشی، پسینی بوده و مبتنی بر نظام معرفتی عرفان نظری و عرفان عملی است. در عرفان کاربردی به صورت موردکاوی به تبیین امتداد اصول و مبانی مجموعه دانشی عرفان نظری و عملی در مسایل گوناگون انسانی پرداخته می‌شود. نتیجه و غایت مطالعات و بررسی‌های مساله‌محور در عرفان کاربردی، ارایه سبک زندگی عرفانی در ساحات گوناگون حضور انسان‌ها خواهد بود.

۴. عرفان کاربردی دانشی میان‌رشته‌ای است و از این‌رو جهت شناخت اقتضائات و شرایط عینی با بهره‌گیری از دانش‌های تخصصی همان عرصه و علوم هم‌چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، به جریان مبانی عرفانی و سلوکی در مساله مدنظر می‌پردازد.

۶. منابع

- آملی، سیدحیدر، ۱۳۶۸، جامع الأسرار و منبع الأنوار، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، ۱۴۱۴، لسان العرب، بیروت، دارصادر.
- اسلامی، محمدتقی و دیگران، ۱۳۸۹، اخلاق کاربردی (چالش‌ها و کاوش‌های نوین در اخلاق عملی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی .
- اسلامی، محمدتقی، ۱۳۹۳، (شناسنامه علمی اخلاق کاربردی)، پژوهش‌نامه اخلاق، ۲۵، ۲۲-۷.
- اصفهانی، حسین بن محمد راغب، ۱۴۱۲، مفردات الفاظ القرآن، صفوان عدنان داودی، لبنان و سوریه، دارالعلم و دارالشامیه .
- ام. آروین، الکساندر، ۱۳۸۲، (انسان شناسی کاربردی؛ ابزارها و چشم اندازهایی برای تجربه معاصر)، ترجمه سپیده پارسا‌پژوه، نامه انسان-شناسی؛ چهارم، ۱۹۵-۱۸۹ .
- بهاری، محمد، ۱۳۷۵، تذکره المتقین، قم، انتشارات نه‌اوندی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۱۰، تاج اللغة و صحاح العربیه، احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم للملایین .
- حبیبی، رضا و دیگران، ۱۳۹۱، فلسفه علوم تجربی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- خمینی ره، سیدروح الله، ۱۳۷۱، مناهج الوصول الی علم الاصول، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
- خندان، علی اصغر، ۱۳۹۵، منطق کاربردی، کتاب طه و سمت .

- رضایی تهرانی، علی، ۱۳۹۲، سیرو سلوک، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره .
- رمضان، حسن، ۱۳۹۸، عرفان در آینه قرآن و روایات (عرفان عملی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی .
- رمضان، حسن، ۱۳۹۸، عرفان در آینه قرآن و روایات (عرفان عملی)، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی .
- زاهدی، محمدصادق، ۱۳۹۳، (فلسفه کاربردی و میان رشتگی)، مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، دوم، ۱-۱۷، تهران، مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم .
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۰، (چیستی اخلاق کاربردی)، معرفت اخلاقی، سوم، ۸۳-۹۶، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۶۷، مجمع البحرین، سیداحمد حسینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عسکری، ابوهلال، معجم الفروق اللغویه، ۱۴۱۲، بیت الله بیات، قم، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰، العین، مهدی مخزومی، ابراهیم سامرائی، قم، هجرت.
- فناری، محمدحمزه، بی تا، مصباح الانس بین المعقول و المشهود، عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- قراملکی، احدفرامرز و دیگران، ۱۳۸۳، (الگوی علم شناسی اصولیان)، مقالات و بررسیها، ۷۵، ۱۰۵-۱۲۴.
- قراملکی، احدفرامرز، ۱۳۸۵، روش شناسی مطالعات دینی (تحریری نو)، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی .
- قصیری، داود، ۱۳۷۵، رسائل قیصری، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷، اصول کافی، قم، دارالکتب الاسلامیه .
- لاهیجی، شمس الدین محمد، ۱۳۸۵، مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، محمد رضا برزگر خالقی و غفت کرباسی، تهران، زوار .
- محمدی، مسلم، ۱۳۹۴، (کلام کاربردی؛ ضرورت و هویت)، فصلنامه تحقیقات کلامی، هشتم، ۸۸-۶۹.
- واحدجوان، وحید، ۱۳۹۸، وحدت وجود در عرفان اسلامی، قم، قائم آل علی علیه السلام.

- لارسن، کالوین، ۱۳۷۷، نظریه های جامعه شناسی محض و کاربردی، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، سمت.

خبر:

- سبحانی، محمدتقی، ۱۳۹۶، نشست علمی «کلام کاربردی؛ ضرورت و قلمرو» ۲ خرداد ۹۶، کد خبر: ۱۶۳۵۵((<https://www.hawzahnews.com>))